



عکس: تژینی است

همه ما در یک کشتی هستیم

بانوی میان سالی وارد کافه شد. خانمی از پشت پیشخوان آمد و به او کمک کرد روی صندلی بنشیند. به پیش خدمت گفت که جمله تازه‌ای برای تابلوی کافه انتخاب کرده است. آن روز روی تخته سیاه ورودی کافه نوشتند: «نخندید، مویه نکنید، نفرت نورزید، بلکه بفهمید: نقل از کتاب حکمت شادان» بعدها در باره‌اش شنیدم که گاهی برای نوشیدن یک فنجان چای به کافه می‌آید و یک جمله حکیمانه هم به عنوان هدیه همراه می‌آورد. کم‌بیناست و در ناحیه پا دچار عارضه کم توانی است. موانع حرکتی ای که دارد دشواری‌هایی پدید می‌آورد و امکان زندگی معمول را سلب می‌کند اما درایتی که در برقراری تعامل با محیط داشت نشان دهنده این بود که توسعه ذهنی هیچگاه متوقف نمی‌شود، حتی اگر محدودیت کم توانی جسمی بر محدودیت‌های زنانه زیستن افزوده باشد و در احاطه محدودیت مضاعف قرار گرفته باشد، زیرا ارزش فرصت زندگی را آموخته است. یا مردی بر روی صندلی چرخ‌دار نشسته است و می‌خواهد از پیاده رو وارد خیابان اصلی شود اما یک خودرو روی پل فلزی که پیاده‌رو را به خیابان متصل می‌کند پارک کرده است و فضای کافی برای عبور صندلی چرخ‌دار وجود ندارد. مرد چه می‌تواند انجام دهد در جامعه‌ای که راننده توانمند از نظر جسمی به امر مهم رعایت حقوق دیگران از جمله ویلچرنشینان توجه ندارد؟ آنچه ما در مواجهه با این مرد ممکن است ببینیم تلاش برای تغییر مسیر و افزایش صبوری است. اگر جای ایشان بودید تا چه اندازه می‌توانستید صبوری‌تان را حفظ کنید و از جامعه و مردمی که به حقوق جمعی شما توجهی ندارند دلسرد نشوید؟ این‌ها ساده‌ترین مثال‌ها از نظر قابلیت مشاهده هستند، آسیب‌هایی اجتماعی که سلامت روان این گروه از افراد جامعه را به چالش کشیده همیشه از نظرها پنهان مانده است. تلاشی که گروه کم‌توان و ناتوان جسمی حرکتی برای ایجاد ارتباط مؤثر و زندگی مسالمت‌آمیز و مدارا کردن با نامهربانی‌های اجتماعی و زایل شدن حقوق اجتماعی‌شان به طور روزانه و در زندگی روزمره بخرج می‌دهند از دید جامعه دور می‌ماند زیرا مردم آموزش کافی برای چگونگی درک و رویارویی با تفاوت‌های موجود در زیست اجتماعی یکدیگر را فرا نگرفته‌اند.



دکتر مهتاب علی نژاد
جامعه‌شناس

می‌آموزید که برای احقاق حقوق همه گروه‌های اجتماعی به ویژه آنان که در حاشیه مانده‌اند مطالبه‌گر باشید. حساسیت نظری‌تان در طول تکرار آموزش همگانی تقویت می‌شود. برای نمونه، وقتی در خبرهای ترافیکی می‌خوانید که به دلیل فراهم آمدن زیرساخت‌های مورد نیاز در منطقه ۱۱ شهرداری مشهد از این پس با خودروهایی که در پیاده‌راه‌ها یا مسیرهای دوطرفه با توقف کنند برخورد قانونی خواهد شد، از خود می‌پرسید چرا با خودروهایی که مسیرهای عبور نابینایان یعنی ردیف نارنجی کف پوش پیاده‌راه را مسدود می‌کنند برخورد قانونی صورت نمی‌گیرد. پس از پرسش از خود، احتمالاً مطالبه‌گر می‌شوید. مطالبه‌گری سیاست‌گذاری‌های ترافیکی را به سوی بهبود شرایط برای کم‌توانان که از عصای سفید یا صندلی چرخ‌دار استفاده می‌کنند سوق می‌دهد. قدرت آموزش همگانی برای بهبود بخشی به شرایط زندگی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی را دست کم نگیرید، چه این آموزش از طریق تابلوهای تبلیغاتی سطح شهر باشد چه از طریق آموزش در خانواده یا از مهد کودک تا دبیرستان.

واقعیت تلخ اجتماعی ما این است که افرادی که از توانایی جسمی و زندگی عادی برخوردارند مهارت برقراری ارتباط با کم‌توانان را فرا نگرفته‌اند. کمک‌های به اصطلاح انسان‌دوستانه در بیشتر موارد با احساس ترحم فردی همراه است، احساسی که از سوی کم‌توانان به خوبی فهمیده می‌شود و آسیب‌های روانی جدی بر آنان باقی می‌گذارد. این در حالی است که توجه به افرادی که توانایی معمول زندگی روزمره را ندارند پیش از آنکه یک اقدام انسان‌دوستانه باشد وظیفه‌ای اجتماعی است.

زمینه‌های جسمی می‌توانند توانمندی را برای کم‌توانان به ارمغان بیاورند؟ تجدید نظر در نگرشی که جامعه به مقوله توانمندی و ناتوانی دارد و معیارهایی که برای ارزیابی عملکرد خود و دیگران به صورت ارزش و هنجار اجتماعی و به صورت عرفی می‌پذیرد می‌تواند سبب توسعه فردی و اجتماعی گروه‌های متنوع از نظر میزان توانمندی‌های جسمی حرکتی باشد. اگر شما از کودکی آموزش ببینید که با افرادی که از نظر جسمی مشابه اکثریت نیستند چگونه رفتار کنید، وقتی در بزرگسالی به عنوان یک مسئول در هرم سیاست‌گذاری اجتماعی قرار بگیرید، آموخته‌اید که فضاهای اجتماعی و رفتار متناسب با منش انسان، درخور تمامی افراد جامعه است و نباید گروهی به دلایل جسمی از امکانات معمول زندگی اجتماعی روزمره در اجتماع بازمانند. به عنوان عضوی از جامعه

از سوی افرادی که زندگی عادی دارند با افرادی که به دلیل کم توانی جسمی حرکتی به حاشیه زندگی روزمره و عمومی رانده شده‌اند به وضوح مشاهده می‌شود. نگاه‌های ترحم‌آمیز، بی‌توجهی به کاستی‌های آشکار فضاسازی شهری از سوی افراد عادی مطالبه‌گر نبودن آنان برای کم‌توانان، و قائل شدن تفاوت میان خود و آنان صرفاً با معیار توان جسمی، کشیدن دیوار میان توانمندان و کم‌توانان را در طول تاریخ اجتماعی شهری به امری ادامه‌دار تبدیل کرده است. اما اگر انسان مدرن در عصر ارتباطات نتواند نگاه سازنده‌تر و سودمندتری به نفع کل جامعه به مسئله رفع تبعیض‌های اجتماعی داشته باشد، چگونه می‌تواند جامعه‌ای سالم‌تر از پیش بسازد؟

مسئولیت‌پذیری از آموزش آغاز می‌شود

چگونه گروه‌های توانمند در

ساختن جامعه سالم از مسئولیت‌پذیری آغاز می‌شود

اگرچه می‌گویید مشکلات و محدودیت‌ها سبب قوی شدن می‌شوند، مهم است که این مشکلات ناشی از نابرابری‌های فزاینده اجتماعی نباشند. زندگی اجتماعی سرشار از نابرابری‌هاست. با این حال، نابرابری‌هایی که امکان کاهش یافتن از طریق مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی را دارند اما به جای کاهش روز به روز به دست انسان‌ها افزایش داده می‌شوند نه تنها سبب قوی شدن نمی‌شوند بلکه سلامت روان افرادی را نیز که در معرض این نابرابری‌های اجتماعی فزاینده قرار دارند به مخاطره می‌اندازد. از جمله این نابرابری‌های اجتماعی فزاینده یک مورد بی‌توجهی سیاست‌گذاری‌های عمومی شهری به نیازهای همه قشرها با میزان‌های متفاوتی از توانمندی است. در کنار نقصان‌های فضاسازی شهری، نداشتن مهارت برقراری ارتباط مؤثر